

مطبوعات گلخانه ای

سیاست فرهنگی پرداخت یارانه، توسعه مطبوعات را در ایران ابتر کرده و منجر به شکل گیری "مطبوعات گلخانه ای" شده است. تاخیر در توقف این رویه دیرپای، حاصلی جز خسران در بر نداشته و باید برای همیشه به موزه سپرده شود.

اختصاص بودجه عمومی برای توسعه مطبوعات در کشور نه تنها به توسعه پویا کمک چندانی نکرده و به بار ننشسته است بلکه اصل رقابت را به محاق برده و نهاد مطبوعات را از نمایندگی افکار عمومی به سخنگویی دولت تقلیل داده است.

جدا از اعمال نفوذی که در توزیع یارانه مطبوعات می شود و البته خارج از موضوع این یادداشت است، پرداخت یارانه به سبک کنونی نه به نفع دولت و نه به نفع نهاد مطبوعات است. دولت با پرداخت یارانه و سرپا نگهداشتن تصنعی مطبوعات، بجای درست کردن ابرو، چشم نهاد روزنامه نگاری را کور و قدرت این نهاد را به شدت تضعیف کرده است.

پرداخت یارانه عواقب نامیمون دیگری نیز دارد و پاره ای از مطبوعات که قدرت رقابت در حوزه عمومی را ندارند با دست کردن در جیب مردم و با بازیگری در میدان قدرت و رانت، برخلاف افکار عمومی و اقبال اجتماعی همچنان میداننداری و عمر خود را طولانی می کنند. حمایت به شیوه کنونی و پرورش مطبوعات در کارخانه کار فکری دولت، در دراز مدت مغایر منافع ملی نیز بوده و هیچگاه مجال برای جان گرفتن مطبوعات حرفه ای پرسشگر و مستقل از قدرت را ایجاد نخواهد کرد. تالی فاسد آن به حاشیه راندن نقش اساسی مطبوعات یعنی "پرسشگری و نظارت بر امور جامعه" است.

هر چند حمایت دولتی از صنایع نوپا در برهه خاصی ضروری است اما صنعت مطبوعات در ایران به عصر بلوغ پا گذاشته و از چنین مقطعی عبور کرده و باید ادامه حیات خود را خارج از گلخانه دولت پی گیرد.

پرداخت یارانه مطبوعات به رویه کنونی نه تنها اعتماد به نفس روزنامه نگاران را سلب می کند بلکه دولت با پول پاشی در بازار اطلاع رسانی کشور، به پاره ای اعتماد به نفس کاذب تزریق می کند. دولت باید با ایجاد بستر رقابت سالم، سطح کنشگری مطبوعات را از درون گل خانه به حوزه عمومی هدایت کند. تا رقابت مطبوعاتی به معنا و مفهوم واقعی محقق شود.

مطبوعات نیز نباید اکسیژن حیات خود را از طریق دولت تامین کنند.

باید مجالی فراهم شود تا روزنامه نگاران در فضای آزاد تنفس کنند. البته از این هم واژه نداشتند که پاره ای در فضای آزاد دچار تنگی نفس و زودمرگی شوند.

ادامه حیات مطبوعات را باید خوانندگان آنها و آن هم از طریق مکانیزم دکه های مطبوعاتی رقم زنند و آنها باید زوال و بقای مطبوعات را تعیین کنند. حذف یارانه، رقابت مطبوعات برای جذب مخاطب را دو چندان کرده و سطح کیفی آنها را بهبود قابل توجهی خواهد داد.

البته باید اذعان داشت، حمایت نابرابر از مطبوعات تنها به توزیع ناعادلانه یارانه محدود نمی شود و واحدهای دولتی و حاکمیتی از طریق دادن آگهی و دیگر امکانات به پاره ای از مطبوعات، عملاً رقابت سالم را بی خاصیت کرده اند.

شرایط کنونی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از قضا برای حذف رانت یارانه مطبوعات مهیاست. البته دولت باید در تامین نهاده هایی مانند کاغذ مصرفی مطبوعات با مکانیزم توزیع مناسب اقدام کند و بقیه امور را به دست نامرئی بازار بسپارد. (منبع: مطالعات رسانه و ارتباطات).